

اسنادی از
انتخابات مجلس در دوره رضاشاه

به کوشش
غلامرضا سلامی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

تهران ۱۳۸۴

سلامی، غلامرضا، ۱۳۴۴ - گردآورنده
اسنادی از انتخابات مجلس در دوره رضاشاه/ به کوشش غلامرضا سلامی - تهران:
سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴.
۵۹۸ص: مصور.

ISBN: 964-6189-78-4 بها: ۴۵۰۰۰ ریال

ص.ع. به انگلیسی: Gholamreza Salami. Some Documents on:
Iranian Parliamentary Elections during the Reign of Pahlavi I.

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
۱. ایران. مجلس شورای ملی - انتخابات - تاریخ - اسناد و مدارک. ۲. ایران -
تاریخ - پهلوی، ۱۳۰۴-۱۳۲۰ - اسناد و مدارک. الف. سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران. ب. عنوان.

۳۲۸/۵۵

۵الف اس/۱۷۸۷/۵ JQ

۴۱۴۴۹-۸۳م

کتابخانه ملی ایران

ISBN: 964-6189-78-4

شابک: ۹۶۴-۶۱۸۹-۷۸-۴



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

اسنادی از انتخابات مجلس در دوره رضاشاه

به کوشش: غلامرضا سلامی
نظارت فنی: نصرت‌اله امیرآبادی
حروفچینی: فریده خوش‌تراش
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
لیتوگرافی: راین گرافیک
چاپ: اول
چاپ و صحافی: پارس سپند، خوش قامت
تاریخ انتشار: ۱۳۸۴
قیمت: ۴۵۰۰۰ ریال

انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
ساختمان گنجینه اسناد، بزرگراه شهید حقانی، مقابل استادبوم ورزشی شهید کشوری،
تهران ۱۵۴۸۶، تلفن: ۲۲۲۵۵۸۶۸؛ دورنگار: ۲۲۹۰۰۲۷۹
نمایشگاه و فروشگاه
میدان ولی عصر (عج)، خیابان شقایق، خیابان به‌آفرین، شماره ۶۰، تلفن: ۶۶۴۹۱۹۴۶

فهرست مندرجات

پیشگفتار.....	سه - هشت
مقدمه.....	نه - بیست و یک
استان آذربایجان.....	۱-۱۶
استان اصفهان.....	۱۷-۱۳۴
بنادر جنوب.....	۱۳۵-۱۳۷
استان تهران.....	۱۳۸-۱۴۶
استان خراسان.....	۱۴۷-۱۵۴
استان خوزستان.....	۱۵۵-۱۵۸
استان سمنان.....	۱۵۹-۱۶۱
استان سیستان.....	۱۶۲-۱۶۴
استان فارس.....	۱۶۵-۱۶۹
استان قزوین.....	۱۷۰-۱۷۹
استان کردستان.....	۱۸۰-۱۸۹
استان کرمان.....	۱۹۰-۱۹۲
استان کرمانشاهان.....	۱۹۳-۱۹۶
استان گیلان.....	۱۹۷-۲۲۷
استان لرستان.....	۲۲۸-۲۳۸
استان مازندران.....	۲۳۹-۲۴۴
استان مرکزی.....	۲۴۵-۲۴۹

۲۵۰-۲۵۵	 استان همدان
۲۵۶-۲۸۷	 استان یزد
۲۸۸-۳۰۸	 آشوری و کلدانی‌ها
۳۰۹-۳۸۲	 ارمنی‌ها
۳۸۳-۳۸۵	 زردشتی‌ها
۳۸۶-۴۶۲	 کلیمی‌ها
۴۶۳-۴۷۲	 کلیات
۴۷۳-۵۱۰	 قوانین انتخابات مجلس شورای ملی
۵۱۱-۵۲۵	 نمایه
۵۲۷-۵۷۴	 گزیده تصاویر و اسناد

پیشگفتار

هرچند آزادی، از مفاهیم برجسته‌ای است که همواره در تاریخ بشر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است و حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش، یکی از دغدغه‌های جدی در زندگی اجتماعی او بوده است، لیکن مبارزه برای گسترش حقوق و آزادیهای دموکراتیک، یکی از اساسی‌ترین وجوه تکامل تاریخ اجتماعی سده‌های اخیر، در جوامع به شمار می‌رود. این مبارزات که از سده هفدهم میلادی در اروپا آغاز و در قرن هجدهم پی گرفته شد، در قرن نوزدهم به اوج خود رسید. مبارزات، در آغاز، روندی کند و بطنی داشت و با موانع و مشکلات عدیده‌ای مواجه بود و از نظر دامنه و گستردگی نیز به گروه‌های کوچکی محدود می‌شد. از سوی دیگر، نظامهای سیاسی حاکم نیز برای حفظ موقعیت خود، به واکنش‌های شدید و خصمانه‌ای علیه آن برخاستند و در اکثر موارد به حربه خشونت و سرکوب متوسل شدند و تا مدتهای طولانی از پذیرش این خواسته‌ها سر باز زدند.

یکی از مهمترین و اساسی‌ترین اشکال جنبشهای مبارزاتی، برای گسترش حقوق و آزادیهای دموکراتیک، جنبش حق رأی همگانی بود که به تدریج توانست بویژه در جریان انقلاب کبیر فرانسه و قانون اساسی سال ۱۷۹۳ این کشور، قالب ساختاری و سامان یافته‌ای پیدا کند. در واقع، رسیدن به مرحله ساختاری شدن خواسته‌های اساسی و حیاتی مربوط به حقوق و آزادیهای دموکراتیک و در رأس همه حق رأی همگانی، فرآیندی بود که نهادهای شدن مفهوم مشارکت سیاسی را در پی داشت. ساختار طبقاتی و اجتماعی جوامع غربی تا پیش از قرن ۱۹ به گونه‌ای بود که امکان مشارکت فعال سیاسی برای همه فراهم نبود. لیکن به تدریج از اواخر قرن هجدهم با پیدایش صورتبندیهای سیاسی - اجتماعی جدید، در قالب اتحادیه‌های کارگری، مجامع صنفی و سیاسی، و پیدایش نوع خاصی از فرهنگ سیاسی، شهروندان تلاش کردند تا فعالیت خود را در قالب نهادهای مذکور شکل دهند.^۱

جریان آزادیخواهی و به تبع آن انتخابات در کشور ما نیز با انقلاب مشروطه و تشکیل مجلس (دارالشورای) اندام گرفت. در نتیجه قیام آزادیخواهان و هجرت علما به قم و تحصن بازاریان در سفارت انگلیس، مظفرالدین شاه از ترس اینکه مبادا شورش سراسر کشور را برگیرد و او مقام سلطنت را از دست بدهد، تقاضای آزادیخواهان را پذیرفت و روز ۱۴ جمادی‌الآخر ۱۳۲۴ ق. / ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ ش. / ۵ اوت ۱۹۰۶ م. فرمان اعطای مشروطه صادر شد. از روز صدور فرمان مشروطیت، مردم به تهیه مقدمات انتخابات مشغول شدند و در روز ۱۸ شعبان ۱۳۲۴ ق. / ۱۴ مهر ماه ۱۲۸۵ ش. / ۱۹ اوت ۱۹۰۶ م.، مظفرالدین شاه با حضور سفرای کبار دول خارجی، مجلس شورای ملی را به ایراد خطابه تاریخی خود افتتاح نمود.

از این واقعه، آزادیخواهان بسیار خوشحال شدند و جنب و جوش عظیمی در کشور به وجود آمد. همه مردم دست از کار کشیده، جشن گرفتند. شهرها را سراسر چراغانی کردند، بهارستان، میدانها و خیابانها از گروههای مختلف پر بود. مردم از شدت شوق و خوشحالی می‌گریستند. نویسندگان و گویندگان نیز داد سخن می‌دادند و ضمن سرودن اشعار یادبود و نطق‌های گرم و آتشین از «افتتاح مجلس» ابراز احساسات می‌کردند.

از جمله صاحب روزنامه معروف جبل‌المتین چاپ کلکته در مقاله‌ای به نام «آنچه می‌بینیم به بیداری است یا رب یا به خواب» چنین ابراز احساسات کرده است:

«خدای را هزاران شکر که در سایه تربیت و ظل عاطفت پدر تاجدار و مهربان ولی نعمت بی‌منت اعلیحضرت اقدس شاهنشاه مظفر (که خدایش زندگی جاوید بخشد) ایرانیان یافتند مقام و مرتبه را که قرن‌هاست ضایع نموده و به دست آوردند، آنچه را که به خواب و خیال نمی‌گذرانیدند و رسیدند به پایه و مرتبه‌ای که شایان شأن و مقام آنها بود. عنقریب که بیابند گم شده هزار ساله خود را و به دست آرند از دست رفته‌های خویش را.

امروز روزی است که ایرانیان را سر افتخار به آسمان سود و در حالتی که به آخرین درکات پستی بل نیستی رسیده بودند، رو به عروج نهاده در اول قدم پای به منتها درجه مسلم ترقی گذاردند ... امروز روزی است که دوستان ایران مسرور و دشمنانشان مغمومند. امروز روزی است که سلطنت ایران در قطار اولین دول متمدنه روی زمین به شمار آمد. امروز روزی است که نام ایرانیان از دفتر اقوام وحشیه خارج و

به صحیفه ملل متمدنه شامل گردید. امروز روزی است که ملت و دولت ایران از گله شکاران رسته در جرگه شکاریان جسته‌اند ...

[امروز روزی است که] مظفرالدینا والدین، اعلیحضرت اقدس مظفرالدین پادشاه به قدوم مبارک دارالشورای ملی را مزین فرموده و رسماً این باب سعادت را به روی ملت خوشبخت گشودند.^۲

طبق قانون اساسی مشروطیت، مجلس شورای ملی مرکز قدرت و نقطه ثقل حضور نمایندگان مردم بود که در تصویب قوانین، تصحیح و تعدیل استبداد، بنیاد نهاده شده بود، لیکن چندی نگذشت که نتیجه آن فداکاری‌ها و مجاهدت‌ها به باد فنا رفت و گامی مؤثر در راه اصلاحات و مصالح ملی و ترقی و پیشرفت کشور برداشته نشد و امیدها به یأس مبدل گردید. روزنامه تمدن، سال اول، در این باره چنین نوشته است:

«بی طالع اگر مسجد آدینه بسازد
یا طاق فرود آید و یا قبله کج آید
افسوس که آنچه را مایه فوز و فلاح و سعادت و نجات خود می‌پنداشتیم
نتیجه به عکس بخشید. مجلس شورای ملی که در همه جا ماحی ظلم و فساد و مایه
رواج عدل و انصاف بود و در هر مملکت که مفتوح گشت، کینه و عناد را از بیخ و بن
برکنند، در مملکت ما مزید بر علت شد. طرق و شوارع ناامن گشت. حدود و حقوق
مردم مختل و معوق ماند. فقط اسم بی‌رسمی در السنه و افواه افتاد و ثمری بر آن
مترتب نشد. اگر مقصود از انجمن ملی، نشستن و برخاستن و فقط مذاکره اصلاحات
بدون اجرا و اعمال است، می‌توان گفت چنین مجالسی لاینقطع در همه جا منعقد است.
خاصه در دیهات که اهالی آنجا در این فصل به واسطه بیکاری در میدان‌گاہایی که
آفتاب از صبح تا غروب در آنجا می‌تابد انجمن شده بهتر و مفیدتر از این ترتیب
صحبت می‌کنند و بسیار نادر اتفاق می‌افتد که با یکدیگر در سر هیچ و پوچ ضدیت و
مناقضت نمایند.

... اگر غرض از تعیین و ارسال وکلای ولایات، تزئید مصارف و مخارج
مملکت بوده، هرگز هیچ عاقل دقیقی استحسان چنین فعل عبثی را تصدیق نخواهد
نمود. پس مقصود غیر از این است که امروزه ملحوظ ما است. تشکیل و ترتیب انجمن
ملی و اتحاد و اتفاق جمهور در حل و عقد امر از چیزهایی است که حسن آن بر هیچ
شخص عاقلی پوشیده نیست. تعیین حقوق و حدود و ترتیب قانون البته بالذات

مستحسن است و به هیچ وجه منکر عواقب و نتایج حسنه آن نتوان شد. اما این درخت بارور و این شجر پرثمر در مملکت ما در این مدت اثری نبخشید و فایده بر آن مرتب نشد.^۳

و به این ترتیب مجلس هم هرچه از صدر مشروطه فاصله می‌گرفت، انحراف و اعوجاج آن افزون‌تر می‌شد. تا اینکه با کودتای انگلیسی ۱۲۹۹ و روی کار آوردن رضاخان، مجلس به «ابزاری» در دست «نظامیان» و «فراماسون‌ها» بدل شد و به سرنوشتی تلخ گرفتار آمد. آنچه در مجلس و قانون اساسی با عنوان «نوسازی، تحولات جامعه و احقاق حقوق مردم مطرح شده بود به فراموشی سپرده شد. جنگ احزاب، افراط‌گرها و ترورهای «حزب دمکرات» انفعال و درگیریهای «اعتدالیون» همه را از مسیر اصلی بازداشت و آن شد که در دوران حاکمیت «قزاق‌ها» مجلس به صورت «مطیع ابامر ملوکانه» در آمد و دیگر از خود اراده و استقلالی نداشت تا در برابر قراردادهای خفت بار، استبداد خشن و حرکت نظامیان واکنش نشان داده و مقاومتی بنماید. تنها مانع مستحکم در برابر رضاخان، روحانی شجاع و بافضیلت آیت‌الله سیدحسن مدرس و تنی چند از مبارزان آن روزگار بودند که آنها هم به تدریج حذف سیاسی و فیزیکی شدند. روند تضعیف و استحاله مجلس همزمان ادامه یافت تا این که پس از کودتای امریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ملت مجدداً شاهد «مرگ مجلس شورای ملی» بود و پس از کودتا مجلس جز خانه «اشباح» که در آن «اشباح الرجال» حضور داشتند، منزلتی درخور نداشت. سکوت در برابر قراردادهای استعماری «کنسرسیوم نفت» و لایحه ذلت‌بار «کاپیتولاسیون» که تیر خلاصی بر حیات جدی مجلسین بود و هشدار مرجع تقلید زمان علیه تصویب این لایحه «سیاه» و «سیا ساخته» اثری ننمود و مجلس ابزار حزب ایران نوین^۴ در دهه ۱۳۴۰ و حزب رستاخیز^۵ در اوائل دهه ۱۳۵۰ شد.

اینک برای بازسازی سرنوشت مجلس و شیوه و روش انتخابات در دوره رضاشاه، و به طریق اولی، نظری و گذری بر مردمسالاری در دوران اسفبار تاریخ معاصر ایران، راه و چاره‌ای جز بهره گرفتن از اسناد ملی و تاریخی نداریم. کتاب حاضر

۳- روزنامه تمدن، سال اول، ش ۲، ص ۴.

۴- حزب ایران نوین به روایت اسناد ساواک، ۵ جلد، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی.

۵- حزب رستاخیز، مظفر شاهی، ۲ جلد، تهران، موسسه تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۲.

نیز تلاش نموده است تا از لابلای اسناد، رویدادهایی را که منجر به بی‌اهمیت شدن مجلس و انتخابات در دوره رضاشاه شده است، بیان نماید و پرده از شیوه‌ها و روشهای غیر دموکراتیک و عوام‌فریبانه آن روزگار بردارد. اینکه تا چه اندازه توفیق حاصل شده باشد، قضاوت آن با خواننده اهل فضل و صاحب‌نظر است.

در پایان از تمامی دست‌اندرکاران چاپ و نشر کتاب بویژه پژوهشگر ارجمند آقای غلامرضا سلامی، سپاسگزاری می‌شود و امیدواریم با رهنمودها و نقد منصفانه، بتوانیم در آینده نسبت به رفع کاستی‌های احتمالی کتاب اقدام نمائیم.

دکتر کیانوش کیانی

معاون اسناد ملی و

سرپرست پژوهشکده اسناد